

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

افسانه وحدت

۲۷ مارچ ۲۰۱۴

## ۳۵ سال بی حقوقی

یک سال دیگر گذشت. همیشه وقتی سال نو فرا می رسد، آدمها به این فکر می کنند که در این یک سالی که گذشت چه چیزی بهتر و یا بد تر شد. نهادها بیلان یک ساله خود را مورد بررسی قرار می دهند. من به عنوان یک فعال حقوق انسانی و قبل از همه حقوق کودکان به این فکر می کنم که در ایران با حکومت اسلامی وضعیت مردم و قبل از همه کودکان چطور شد.

۳۵ سال پیش حکومت اسلامی با دروغ های خمینی که آب را مجانی می کنیم، برق را مجانی می کنیم، اتوبوس را مجانی می کنیم... به قدرت رسید. نه تنها آب، برق اتوبوس، مجانی نشد بلکه قیمت هم آب و هم برق چنان نجومی بالا رفت که خانواده های زیادی با پرداختن قبض های خود حتی امکان خرید مواد غذایی را از دست دادند و هر روز تعداد بیشتری به زیر خط فقر کشیده می شوند. شهریه مدارس که مطابق قانون اساسی بایستی مجانی می بود قیمت پیدا کرد و هر سال گران تر شد. به جایی رسید که خانواده های که توسط رژیم خمینی و حکومت "مستضعفان" به خاک سیاه نشستند و به طور مدام بر تعدادشان اضافه شد و از فرستادن کودکانشان به مدرسه عاجز شدند و به جایش آنها را به خیابان فرستادند تا کمک خرج خانه باشند. به جای افزایش دستمزد کارگران و کارمندان، فعالان حقوق کارگران دستگیر و زندانی شدند. اختلاس های نجومی سردمداران رژیم هر روزه رفاه مردم را هر چه بیشتر تخریب کرد. افسردگی و بیم از آینده در میان مردم هر چه بیشتر شد. فقر، تنفروشی و اعتیاد هر روزه افزایش پیدا کرد و حتی جوانان و نوجوانان و از همه دردناک تر کودکان به آن دچار شدند. آلودگی هوا و دچار کردن میلیون ها کودک به بیماری های مزمن و خطرناک ناشی از آن، آلودگی محیط زیست و از بین رفتن دریاچه های که برای حیاط مناطقی از ایران اهمیت فراوانی دارد هر روزه تشدید شد. فاصله طبقاتی به جایی رسیده که قشر متوسط هر روزه به زیر فقر کشیده می شوند. میلیون ها کارگر به صف بیکاران پیوستند و هر چه بیشتر در گرداب عظیم و هولناک فقر غوطه ور شدند. به جای دفاع از حق فعالان حقوق کودک برای ایجاد تشکل های خود، هر روز تعداد بیشتری از این فعالان و رهبران این جنبش سرکوب و زندانی شدند و تعداد اعدام ها افزایش پیدا کرد.

به جای ساختن مدارس جدید و تعمیر مدارس "تخریبی" و تبدیل آنها به جایی که بشود نام آن را مدرسه گذاشت از دادن بودجه به آموزش و پرورش خودداری شد.

بر طبق گفته رئیس سازمان نو سازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، در حال حاضر چهار میلیون متر مربع فضای آموزشی تخریبی در کشور وجود دارد که بر طبق گفته همین شخص "حتی در برابر زلزله های متوسط نیز بسیار ناامن بوده و باید مقاوم سازی شود." (البته رقم ۴ میلیون را معلوم نیست که این مسئول حکومتی از کجا آورده است. چون بر

اساس آخرین آمار سال ۸۵ زیربنای تخریبی مدارس ۱۳ میلیون متر مربع بود که بازسازی نشده است.) بر اساس گفته های همین شخص ۳۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای نو سازی چهار میلیون متر مربع فضای آموزشی تخریبی لازم است.

این رقم برای همه شهروندان ایرانی آشناست. رقم معروفی که تا دو سال پیش بزرگترین اختلاس در تاریخ ایران بود. تصادفاً این رقم با بودجه ای که برای مرمت کردن ۴ میلیون متر مربع فضای آموزشی مدارس برابری می کند. یعنی بودجه ای که می توانست امنیت میلیونها کودک را تا حدی تأمین کند و دهها میلیون خانواده را از نگرانی درآورد و می توانست تعداد زیادی کودک را به مدارس برگرداند را مقامات حکومتی به همین سادگی بالا کشیدند. و تازه این دزدی مربوط به دو سال پیش است.

به طور دائم بخش هایی از اخبار اختلاس های نجومی که از حقوق کارگر و معلم، پرستار و کارمند و سفره خانواده ها می دزدند افشاء می شود. این اختلاس ها و همچنین قرار دادن پول مردم در جاهایی که فقط علیه مردم است و نه برای رفاه مردم، همه بودجه مملکت ثروتمندی را به کام خود می کشد و کودکان را دچار سوء تغذیه، بی آندگی، محروم شدن از کودکی و زندگی شاد و بی دغدغه می کند. آنها را از آموزش و دستیابی به علم و دانش محروم می کند و چند نسل را به تباهی می کشد.

یکی از هولناکترین وقایع دوران ننگین حکومت اسلامی خرید و فروش کودکان در دروازه غار است. در این رابطه به گزارش ایرنا، محمدتقی حسینی در هشتمین جلسه شورای هماهنگی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، گفت: متأسفانه موضوع خرید و فروش کودکان از معضلات روز جامعه و بسیار آزار دهنده است. او ادامه داد: پدیده کودکان خیابانی یکی از معضلات امروز ما است و اگر بخواهیم چشمانمان را بر روی این معضل ببندیم یا رویمان را برگردانیم، باز هم جلوی چشمان ما ظاهر می شوند. وی با بیان این که پدیده کار خیابانی از دهه ۸۰ شمسی در کشور رواج یافت، اظهار داشت: کودکان خیابانی و کار مفهومی است که گروه های مختلفی از کودکان را در برمی گیرد و خواه و ناخواه مجبوراند بخشی یا تمام زندگی شان را در خیابان بگذرانند.

قائم مقام و مأمور حکومت اسلامی در ادامه به جای دادن راه حل، کودک خیابانی را بعد از ۳۵ سال و آنهم در محل پرطمطراق "جلسه شورای هماهنگی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک" تعریف می کند و خیر وار از کودکانی می گوید که به دنیا نیامده به فروش می رسند، ایشان با تأسف می گوید "تعدادی از این کودکان شناسنامه و هویت ندارند و مورد تعرض قرار می گیرند و به انواع بیماری های خطرناک مانند ایدز و هیپاتیت مبتلا می شوند" و وانمود می کند که انگار این اخبار تازگی دارد.

باید به ایشان به عنوان یکی از مسئولین مستقیم این وضعیت فاجعه بار کودکان گفت شما ۳۵ سال است که رویتان را برگردانده اید و چشمتان را بر این معضلات که خودتان مسبب آن هستید، بسته اید. اگر به قول خودتان پدیده کودکان کار از دهه ۸۰ و به برکت وجود شما در کشور رایج شد، پدیده های دیگری که در بی حقوقی و تباهی زندگی کودکان تأثیر مستقیم داشته از خیلی زود تر شروع شد.

حکومت شما هر جنایتی علیه کودک را که شرعی بود قانونی کرد. رهبرتان که شهوترانی با شیر خوارگان را تبلیغ کرد، رئیس جمهور تدبیر و امیدتان از دواج با فرزند خوانده را قانونی و ابلاغ کرد.

ایشان بعد از ۳۵ سال جنایت علیه کودکان که یکی از نتایجش خرید و فروش کودکان است خودش را به کوچه علی چپ می زند و در حالی که می داند که هیچ راه حلی برای هیچ یک از این معضلات ندارد می گوید: "کودکان دروازه غار حقیقت تلخی است که متأسفانه وجود دارد".

آقای قائم مقام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در امور بین الملل ، برشمردن حقایق تلخ از دوران حکومت اسلامی لیست بلند بالائی دارد. شما می دانید که فقط با زور سرکوب سر پا هستید ولی قدری صفحات تاریخ را ورق بزنید می بینید که حکومت هائی از جنس شما که با سرکوب و بر بستر خانه خرابی مردم سر پا بوده اند چطور با نیروی عزم مردم برای داشتن آسایش و رفاه و یک زندگی انسانی سرنگون شدند. این هم حقیقت تلخی است برای شما و شیرین به کام مردم.

منبع: نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۱۳- فروردین [حمل] ۱۳۹۲